

مصونیت قضایی دولت در حقوق بین الملل و آثار رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (۲۰۲۳) بر طرح دعوای ایران علیه کانادا (۲۰۲۳) نزد آن دیوان

صادق بشیره (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

sadeghbashire75@gmail.com

ساوالان محمدزاده

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

savalan.mohamadzadeh75@gmail.com

مرتضی پورعزیز

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران.

morteza.pouraziz2020@gmail.com

چکیده

از حدود دهه های قبل تلاش های دو دولت ایالات متحده آمریکا و کانادا برای توجیه نقض مصونیت قضایی دولت ها بخصوص بر مبنای تروریسم در سطح دکترین آغاز شده و همزمان اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی نیز در این راستا صورت گرفته است. این رویکرد از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار داده و طی سال های اخیر موجبات صدور آرای علیه دولت ایران در محاکم داخلی این کشورها را فراهم آورده است؛ آرای که به مرحله اجرا نیز رسیده و اسباب مصادره اموال دولت ایران شده اند. ایران در مورد آمریکا بر مبنای عهدنامه مودت در دیوان بین المللی دادگستری طرح دعوا کرده بود و مدتی پس از صدور رای دیوان در این قضیه، علیه دولت کانادا بر مبنای بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دعوایی را مطرح نمود که بی ارتباط با نتیجه حاصله در قضیه برخی اموال نیست؛ چرا که دیوان در آن رای به ارائه معیاری جهت تفکیک اعمال حاکمیتی و غیرحاکمیتی پرداخته که از مهم ترین چالش ها پیرامون بحث مصونیت دولت بوده و همچنین در چارچوب ارزیابی مفهوم منافع اساسی امنیتی، به موضوع استثنای تروریسم بر مصونیت اشاره داشته است. بر این اساس، مطالعه رای مذکور و یافته های پیرامون مصونیت دولت و تاثیر احتمالی آن ها بر دعوای ایران علیه کانادا دارای اهمیت است. بنابراین مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه ای و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران از منظر حقوق بین الملل چه پیامدهایی پیرامون مصونیت قضایی دولت برای دعوای ایران علیه کانادا دارد؟

کلمات کلیدی: مصونیت قضایی دولت - استثنائات مصونیت - استثنای تروریسم - قضیه برخی اموال ایران - دعوای ایران علیه کانادا

مقدمه

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۶ با اصلاح قانون مصونیت‌های دولت خارجی (FSIA: (زین پس: ^۱، مطابق بخش ۱۶۰۵ (الف)(۷) آن قانون، در مورد دولت‌های موسوم به حامی تروریسم قائل به سلب مصونیت شد. آمریکا همچنین به واسطه بخش های ۱۶۱۰ (الف)(۷) و ۱۶۱۰ (ب)(۲) قانون مصونیت‌های دولت خارجی استثنائاتی را در خصوص مصونیت از اقدامات اجرایی مقرر نمود (عبداللهی و خندان کوچکی، ۱۳۹۶: ۲۶۹). در سال ۲۰۰۲ ایالات متحده قانون بیمه خطرات تروریستی (TRIA: (زین پس: ^۲ را تصویب نمود که اقدامات اجرایی خاصی را برای احکام صادر شده بر اساس اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت‌های دولت خارجی مجاز می‌نماید. به ویژه بخش ۲۰۱ TRIA که مقرر می‌دارد هر گاه شخصی در رابطه با یک عمل تروریستی یا مطابق با بخش ۱۶۰۵ (الف)(۷) FSIA حکمی را به دست آورد، اموال نهادهای که طبق قوانین ایالات متحده به عنوان «گروه تروریستی»^۳ شناخته شده و نیز قبلاً توقیف شده است، باید مصادره گردد یا زمینه مصادره آن‌ها فراهم آید (حبیب‌زاده و بهمن تاجانی: ۱۳۹۱، ۲۷۱). موضوع به همین جا ختم نشد و در سال ۲۰۰۸ FSIA مجدداً از سوی آمریکا اصلاح گردید و اموال در دسترس به اموال نهادهای دولتی موسوم به حامی تروریسم نیز گسترش یافت (ICJ Reports, 2023: para. 23-27).

به این ترتیب، در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور ایالات متحده فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ را صادر کرد که به موجب آن کلیه اموال دولت ایران از جمله بانک مرکزی و سایر موسسات مالی ایرانی که در قلمرو ایالات متحده یا در تصرف یا تحت کنترل ایالات متحده یا هر شخصی در ایالات متحده از جمله هر شعبه خارجی هستند، توقیف شدند (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۶۷). در همین سال، ایالات متحده به طور خاص قانون حقوق بشری کاهش تهدید ایران و سوریه^۴ را تصویب کرد که طبق بخش ۵۰۲، از جمله اموال بانک مرکزی را به منظور تامین بدهی‌های ناشی از احکام غیابی صادر شده علیه ایران از جمله در پرونده پیترسون^۵، مشمول مصادره قرار داد^۶ و دیوان عالی ایالات متحده آمریکا نیز مطابقت آن رای با قانون اساسی را تایید کرد (U.S. Supreme Court, 2016: p. 16). در ادامه جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۶ دعوایی را علیه ایالات متحده آمریکا بر اساس نقض عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی سال ۱۹۵۵ میان دو کشور (زین پس: عهدنامه مودت)^۷ موسوم به «قضیه برخی اموال ایران» در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرد که رای آن در سال ۲۰۲۳ توسط دیوان مذکور صادر گردید (Thomas, 2024: 139) و نکات قابل توجهی را در باب مصونیت مطرح نمود.

از دیگر سو، دولت کانادا نیز در سال ۱۹۸۵ قانون مصونیت دولت (SIA: (زین پس: SIA) را به تصویب رساند^۸ و در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۲، بخش ۶ SIA را به منظور لغو مصونیت دولت‌های خارجی که نامشان توسط کانادا در فهرست دولت‌های حامی تروریسم درج شده است، اصلاح نمود. این اصلاحات ذیل بند ۱ بخش ۶/۱ SIA مقرر می‌دارد که در رسیدگی‌ها علیه دولت خارجی که نامش در

^۱- Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA)

^۲- Terrorism Risk Insurance Act of 2002 (TRIA)

^۳- Terrorist party

^۴- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 (ITRSHRA).

^۵- Bank Markazi v. Peterson et al., U.S. Supreme Court, 20 April 2016.

^۶- ماجرا از جایی آغاز می‌شود که در اکتبر سال ۱۹۸۳ پادگان تفنگداران دریایی ایالات متحده در بیروت لبنان بمب‌گذاری شده و در نتیجه آن ۲۴۱ نظامی آمریکایی به عنوان بخشی از نیروهای چندملیتی حافظ صلح سازمان ملل متحد در آن منطقه کشته شدند. ایالات متحده ادعا می‌کند که جمهوری اسلامی ایران مسئول این بمب‌گذاری، اقدامات تروریستی بعدی و نقض حقوق بین‌الملل از جمله در مورد کشته‌شدن ۱۹ نظامی آمریکایی در سال ۱۹۹۶ به موجب بمب‌گذاری در مجتمع مسکونی معروف به برج‌های خبر در عربستان است. برای مطالعه بیشتر، رجوع شود به: فروغی، فضل‌الله و مراد عباسی (بهار ۱۳۹۸)، نقض مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها و اموالشان (مطالعه موردی مصادره دارایی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا)، مطالعات حقوقی، ۱۱ (۱).

^۷- Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between Iran and the United States of America which was signed in Tehran on 15 August 1955.

^۸- برای مطالعه ترجمه این رای رجوع شود به: پژوهشگاه قوه قضاییه و مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری (۱۴۰۲)، رای دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده برخی اموال ایران، چاپ نخست، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

^۹ State Immunity Act (SIA)

فهرست مذکور در بند ۲ قید می‌شود، بعد از ۱ ژانویه ۱۹۸۵ مصونیت وجود ندارد (عبداللهی و خندان کوچکی، ۱۳۹۶: ۲۷۲). کانادا همچنین قانون دیگری را تحت عنوان قانون عدالت برای قربانیان تروریسم (زین پس: JVTA)^{۱۰} به تصویب رساند که به خواهان‌ها (شاکیان) اجازه اقامه دعوا علیه مرتکبان تروریسم و حامیان آن‌ها را می‌داد. مطابق بند ۱ بخش ۴ این قانون «هر شخصی که در داخل یا خارج از کانادا در نتیجه فعل یا ترک فعل رخ داده پس از ۱ ژانویه ۱۹۸۵ که طبق بند ۱ بخش ۲ قانون جزائی کانادا نیز قابل مجازات است، متحمل زیان و خسارتی شده باشد، می‌تواند دعوایی را در محاکم صالح جهت دریافت مبلغی معادل زیان و خسارت وارده و نیز سایر مبالغ اقامه نماید» (بذار، ۱۳۹۹: ۲۶۸).

علاوه بر اعطای حق اقامه دعوا علیه دولت خارجی که نامش در فهرست حامیان تروریسم قرار داده شده، طبق بند ۵ بخش ۴ JVTA تمامی محاکم صالح کانادا می‌توانند احکام صادر شده توسط محاکم ملی سایر دولت‌ها علیه دولت خارجی را به نفع شخصی که در نتیجه یک عمل تروریستی متحمل زیان یا خسارت شده است، به رسمیت شناخته و در نتیجه مجوز اجرای آن‌ها را صادر کنند؛ مشروط بر این که دولت مذکور (دولت خارجی) در زمره دولت‌های فهرست‌شده بر اساس بند ۲ بخش ۶/۱ SIA باشد (Stosch & Herbert, 2023). این در حالی است که در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۱۲ و شش ماه پس از تصویب SIA و JVTA، دولت کانادا روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع نمود؛ سفارت خود در تهران را بست؛ و همچنین دیپلمات‌های ایرانی را از کانادا اخراج کرد. در همان زمان، دولت کانادا مطابق بخش ۶/۱ SIA نام ایران را به عنوان دولت حامی تروریسم در فهرست مذکور قرار داد (ICJ Reports, 2023: para. 13). لذا به دنبال تصویب قوانین و مقررات پیش‌گفته، مجموعه‌ای از دعاوی و ادعاهای مرتبط با تضمین اجرای احکام علیه ایران در کانادا جریان یافته و مورد رسیدگی واقع شدند که در نتیجه آن چندین رای از دادگاه‌های ایالات متحده علیه اموال دولت ایران اجرا گردید.^{۱۱}

در حالی که مدت زیادی از صدور رای برخی اموال ایران توسط دیوان بین‌المللی دادگستری نگذشته بود، جمهوری اسلامی ایران در پی اقدامات فوق از سوی کانادا، دعوایی را علیه آن کشور به تاریخ ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ در دیوان مذکور بر مبنای بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه ترتیب داد^{۱۲} تا استناد به تروریسم به عنوان استثنایی بر مصونیت قضایی دولت خارجی را به قضاوت دیوان واگذار نماید (مقامی، ۱۴۰۳: ۲۵۰). به نظر، این دادخواست بی‌ارتباط با نتیجه حاصله در قضیه برخی اموال نیست؛ چرا که دیوان در آن رای به ارائه معیاری جهت تفکیک اعمال حاکمیتی و غیرحاکمیتی پرداخته که از مهم‌ترین چالش‌ها پیرامون بحث مصونیت دولت بوده و همچنین در چارچوب ارزیابی مفهوم منافع اساسی امنیتی، به موضوع استثنای تروریسم بر مصونیت اشاره داشته است. بر این اساس، مطالعه رای مذکور و یافته‌هایش پیرامون مصونیت دولت و تاثیر احتمالی آن‌ها بر دعوای ایران علیه کانادا دارای اهمیت است. بنابراین مقاله حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بر اساس روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران از منظر حقوق بین‌الملل چه پیامدهایی پیرامون مصونیت قضایی دولت برای دعوای ایران علیه کانادا دارد؟ به این منظور، این مقاله در بخش نخست نگاهی بر مفهوم مصونیت و تحولات آن از حیث پذیرش استثنائات از جمله در مورد اعمال تروریستی داشته و سپس در بخش دوم چنین استثنایی بر مصونیت را در چارچوب رای برخی اموال ایران دنبال می‌کند تا نهایتاً به طرح دعوای ایران علیه کانادا رسیده و ارتباط میان این دو پرونده را مورد بحث قرار دهد.

^{۱۰} - Justice for Victims of Terrorism Act (JVTA)

^{۱۱} - این اموال شامل دو مال غیرمنقول در شهرهای اتاوا و تورنتو به همراه سرمایه‌های موجود در دو حساب بانکی به نام سفارت ایران در کانادا بوده که بیش از ۳۰ میلیون دلار کانادا ارزش داشته است. (ICJ Reports, 2023: paras. 14-17)

^{۱۲} - برای مشاهده ترجمه فارسی دادخواست ایران علیه کانادا رجوع کنید به: محمدزاده، ساوالان (۱۴۰۲)، «دادخواست طرح دعوا در پرونده مربوط به نقض مصونیت‌های ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه کانادا)»، آکادمی بیگدلی. قابل دسترس در: <https://B2n.ir/sr7651>

۱- مصونیت قضایی دولت و استثنائات آن: راه‌های رفته و نرفته

مصونیت دولت‌های خارجی از جمله مقررات دیرینه حقوق بین‌الملل است که در طی زمان بخصوص پس از تحولات قرن بیستم و توسعه فعالیت‌های تصدی‌گرایانه و تجاری دولت‌ها دستخوش تغییرات اساسی گردیده و همچنین در سال‌های اخیر به طور جدی وجود برخی از استثنائات بر آن ادعا شده است. در این بخش به عنوان بخش نخست مقاله حاضر، مروری بر این تحولات داشته و ضمن تبیین برخی از مفاهیم مرتبط، راه‌های رفته و نرفته پیرامون مصونیت قضایی دولت خارجی را از نظر خواهیم گذراند. سابقاً در سال ۲۰۱۲ برخی از استثنائات ادعایی بر مصونیت یعنی شبه‌جرم‌ها و قواعد آمره حقوق بشری در دیوان بین‌المللی دادگستری طی دعوای آلمان علیه ایتالیا موسوم به «مصونیت‌های صلاحیتی» مطرح شده‌اند. در کنار این استثنائات، مسئله استثنای اعمال تروریستی نیز که از مدت‌ها قبل از سوی آمریکا و کانادا دنبال می‌شد، فرصت مطرح شدن در دیوان بین‌المللی دادگستری را در چارچوب دعوای ایران علیه آمریکا و کانادا یافته است. این بخش در مبحث نخست تلاش می‌کند برخی نکات قابل توجه درباره اعمال استثنا بر مصونیت که لازمه ورود به سایر مباحث است را مورد توجه قرار داده و سپس در مبحث بعدی به طور خاص پیرامون استثنای تروریسم بر مصونیت طرح بحث نماید تا در بخش دوم به شکل دقیق‌تر به دعوای ایران در برابر آمریکا و کانادا پیرامون این موضوع پرداخته شود.

۱-۱- سرآغاز تحولات و نخستین ضربات بر پیکره مصونیت

صلاحیت در بعد داخلی برگرفته از حاکمیت دولت و جلوه‌ای از اعمال اقتدار آن برای تأثیر بر اشخاص، اموال و اوضاع و احوال است که می‌تواند در هر یک از زمینه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی به منصفه ظهور رسد. اعمال صلاحیت ممکن است با موانع و محدودیت‌هایی همراه شود که مصونیت یکی از مهم‌ترین آن‌هاست (خضری، ۱۳۹۱: ۱۱۶؛ ۳: Thomas, 2024). نوعی از مصونیت در حقوق بین‌الملل تحت عنوان مصونیت دولت‌ها به عنوان یک مانع در برابر اعمال صلاحیت یک دولت علیه دولت دیگر مطرح است که آن‌ها را از اعمال قدرت ناشی از حاکمیت خود بر دولت دیگر منع می‌کند (Dodge, 2023). منشا این ممنوعیت، رعایت استقلال و حرمت دولت‌های خارجی و همین‌طور برابری دولت‌هاست (Meng, 2022: 17) که موجب می‌شود هیچ یک بر دیگری برای اعمال اقتدار و در نتیجه صلاحیت، تفوق نداشته باشند (Dickinson, Lindsay & Loonam, 2004: 195).

قابل توجه است که با شکل‌گیری تحولات قرن بیستم و مبادرت گسترده دولت‌ها به فعالیت‌های تجاری و در پی آن ایجاد وضعیت ممتاز برای آن‌ها در فعالیت‌هایشان نسبت به تجار خصوصی، رفته‌رفته دکنترین مصونیت مطلق دولت تعدیل یافت (Meng, 2022: 17) و در نتیجه میان اعمال حاکمیتی دولت که در مقام دولت انجام می‌شد با اعمال غیرحاکمیتی یا تصدی‌گری^{۱۳} فرق گذاشته شد (خضری، ۱۳۹۱: ۱۳۲) و چنین معمول گشت که دولت‌ها بابت این اعمال از مصونیت محروم شوند.^{۱۴} به این ترتیب، مصونیت دولت‌ها تنها به جنبه عمومی اعمال دولت یا اعمال حاکمیتی آن‌ها^{۱۵} اختصاص یافت (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۰۴؛ Brownlie, 1983: 333) و این مهم نهایتاً در ماده ۲ کنوانسیون سال ۲۰۰۴ در مورد مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها نیز به صراحت درج گردید. با این همه، تحدید دامنه مصونیت قضایی دولت از این فراتر رفته و در گذر زمان اقداماتی از سوی برخی کشورها به منظور اعمال استثنا بر مصونیت آغاز گردید.

¹³ - acta jure gestionis

¹⁴ - کنوانسیون سال ۲۰۰۴ در مورد مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها، در بخش قابل توجهی از مواد خود، سعی داشته است که اعمال غیرحاکمیتی دولت را تعیین و آن‌ها را از دامنه شمول مصونیت دولت خارج نماید. در این خصوص از جمله می‌بایست به جزء پ از بند ۱ ماده ۲ اشاره کرد که سعی دارد معاملات بازرگانی را تعریف کند. رجوع شود به:

UN General Assembly, United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property, 2 December 2004, A/RES/59/38.

¹⁵ - acta jure imperii

ماجرای را می‌توان از طرح برخی ادعاهای مربوط به جنگ جهانی دوم توسط اتباع ایتالیا در محاکم این کشور علیه دولت آلمان آغاز کرد. جایی که آقای فرینی، تبعه ایتالیا، مدعی بود که در زمان اشغال ایتالیا توسط نیروهای مسلح آلمان، برای انجام کار اجباری به آلمان فرستاده شد. دادگاه بدوی بر مبنای حاکمیتی بودن اعمال نیروهای نازی، دعوای فرینی را مشمول ایراد مصونیت دانست (شهلائی، ۱۳۹۴: ۲۰۴).^{۱۶} فرینی در دادگاه تجدید نظر فلورانس نیز به خواسته خود نرسید تا این که موضوع در دیوان عالی این کشور مطرح شد. دیوان عالی ایتالیا بر خلاف دادگاه بدوی و تجدید نظر، چنین ابراز نمود که دولت ناقض قواعد آمره حقوق بشر، حق بهره‌مندی از مصونیت قضایی را ندارد (Foakes, 2014: 152).^{۱۷} به عبارت دیگر، دیوان عالی ایتالیا معتقد بود مصونیت سران دولت‌ها حین انجام وظایف رسمی در مورد ارتکاب جنایات بین‌المللی اعمال نمی‌گردد (کدخدایی و عابدینی، ۱۳۹۴: ۴۹). بر این اساس، در تعارض میان قواعد آمره حقوق بشری و قاعده مصونیت دولت‌ها، دیوان مذکور حکم به اولویت و برتری قواعد آمره داد.^{۱۸} هر چند در حقوق بین‌الملل رویه منسجمی برای رد مصونیت دولت‌ها با استناد به نقض قواعد آمره و یا حقوق بشر وجود ندارد (Cassese, 2005: 106 & 107) و در کنوانسیون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموالشان نیز اشاره‌ای به چنین استثنایی نشده است، در سطح دکترین برخی از نویسندگان نقض قواعد آمره حقوق بشری را به عنوان استثنا بر مصونیت دولت عنوان کرده‌اند (فروغی و عباسی، ۱۳۹۸: ۱۷۳). این امر منشا طرح دعوا از سوی آلمان علیه ایتالیا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شد تا دیوان فرصت یابد مشخصاً پیرامون استثنائات ادعایی بر مصونیت قضایی دولت خارجی اظهار نظر نماید. در دعوای مذکور دیوان باید به این مسئله می‌پرداخت که آیا اعمال ارتكابی آلمان نازی در سرزمین ایتالیا، طبق حقوق بین‌الملل عرفی حق استناد این کشور به مصونیت را از آن دولت سلب می‌کند یا خیر (ICJ Reports, 2012: para. 50).

همچنین یکی دیگر از استثنائات مطرح در مورد مصونیت دولت در دعوای آلمان علیه ایتالیا، شبه جرم‌های^{۱۹} ارتكابی از جانب دولت‌ها بود. شبه جرم‌ها اقدامات و اعمال غیرتجاری دولت‌ها هستند که موجب ورود خسارت به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌شوند (عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). مبنای بحث این موضوع است که اساساً هر دولتی می‌بایست مسئولیت جبران خسارت ناشی از رفتار خود را در داخل مرزهای سرزمینی دولت دیگر بر عهده گیرد و در نهایت هیچ زیانی نباید بدون جبران باقی بماند (عبداللهی، محسن و میرشه‌بیز شافع، ۱۳۸۶: ۸۷). به عبارت دیگر، شبه جرم، عمل متخلفانه مدنی یا شخصی و وارد آوردن جراحت به دیگران است که دادگاه برای آن غرامت تعیین می‌نماید و ریشه در حقوق داخلی دارد. بنابراین باید اشاره کرد که این موضوع معطوف به جنبه مسئولیت مدنی شبه جرم‌ها و پرداخت خسارات پولی به زیان‌دیده‌هاست (انصاری معین، ۱۳۸۹: ۷۰).^{۲۰}

نهایتاً دیوان در تکاپوی حقوق بین‌الملل عرفی و با بررسی عملکرد دولت‌ها و رویه قضایی آن‌ها پیرامون شبه جرم‌ها، به این نتیجه رسید که اعمال استثنای شبه جرم بر مصونیت از سوی ایتالیا در مورد آلمان از مبنای حقوقی لازم برخوردار نیست (ICJ Reports, 2012: para. 79). با این حال از جایی که این دعوا در مورد شبه جرم‌های ارتكابی از سوی نیروهای مسلحانه آلمان اقامه شده بود، می‌توان گفت مصونیت کاملاً از گزند استثنای شبه جرم‌هایی نیافته است. بخصوص که سابق بر رای دیوان نیز ماده سی‌ویکم کنوانسیون اروپایی^{۲۱} و همچنین تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از کنوانسیون مصونیت - به عنوان مهم‌ترین مستندات اعمال

¹⁶- Tribunal of Aretzo, No. 1403/98 of 3 Nov. 2000.

¹⁷- Ferrini v. Federal Republic of Germany, No. 5044 of 6 Nov. 2003.

¹⁸- از نظر دولت ایتالیا، استدلال محاکم ایتالیا مبنی بر لغو مصونیت به دلیل نقض قواعد آمره با ایراد اساسی عطف به ماسبق کردن آثار قواعد آمره مواجه بود. توضیح آن که مفهوم قواعد آمره در سال ۱۹۶۹ در کنوانسیون وین به حقوق بین‌الملل وارد شد. این در حالیست که جنایات ادعایی در مورد نیروهای نازی بین سال‌های ۱۹۴۳-۱۹۴۵ یعنی حداقل بیست‌وشش سال قبل از انعقاد کنوانسیون وین به وقوع پیوسته است.

¹⁹- tort

²⁰- با این حال در رویه قضایی ایالات متحده مشاهده می‌شود که بر خلاف مقررات حقوق بین‌الملل، این کشور به دفعات حکم به خسارت غیرمالی یا تنبیهی علیه مرتکب شبه جرم داده است. در این حالت، اعمال تروریستی ارتكابی از سوی دولت‌ها نیز در واقع ذیل استثنای شبه جرم از مصونیت ساقط و قضاوت می‌شوند و به این وسیله جبران خسارت به شبه جرم‌های دولت‌های خارجی نیز تعمیم می‌یابد (عبداللهی و خندان کوچکی، ۱۳۹۶: ۲۶۶) هر چند طی سال‌های اخیر استثنای تروریسم به شکل مستقل مطرح شده است که جلوتر بدان پرداخته خواهد شد.

²¹- Council of Europe, European Convention on State Immunity (1972).

شبه جرم به عنوان استثنای مصونیت - اعمال نیروهای مسلح يك دولت در سرزمین دولت دیگر و وضعیت‌های برآمده از مخاصمات مسلحانه را خارج از دایره شمول کنوانسیون‌های مذکور دانسته بودند (International Law Commission, 1991: 46) و عملاً رای دیوان یافته جدیدی در این خصوص به همراه نداشت. در خصوص دیگر استثنای مطرح شده یعنی قواعد آمره حقوق بشری نیز، دیوان با کاوش در حقوق بین‌الملل عرفی به این نتیجه رسید که هیچ استثنایی بر مصونیت دولت خارجی نه در خصوص نقض‌های شدید حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه، و نه در مورد نقض قواعد آمره وجود ندارد (Jamshidi, 2023). البته نباید از خاطر برد که این قبیل استنتاجات دیوان نیز بر حقوق بین‌الملل عرفی استوار بوده و از تحول و توسعه در آینده به دور نخواهد بود (شهلائی، ۱۳۹۴: ۲۱۷). به ویژه که تا کنون کنوانسیون سال ۲۰۰۴ سازمان ملل پیرامون مصونیت قضایی دولت و اموال دولتی نیز با احتیاط کشورها در الحاق مواجه شده و لازم‌الاجرا نگردیده است (1: Thomas, 2024).^{۲۲}

۱-۲- تروریسم به عنوان دستاویزی برای نقض مصونیت

چنان که در طلایه مقاله به عنوان مقدمه شرح داده شد، تحت تاثیر اقدامات ایالات متحده آمریکا بخصوص پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و با تبعیت کانادا از چنین اقداماتی، استثنای تروریسم بر مصونیت دولت خارجی مطرح و زمینه برای اقدامات قضایی و اجرایی علیه سایر کشورها فراهم گردید. در حالی که سازمان ملل متحد تا کنون موفق نشده کنوانسیونی جامع در مورد مبارزه با تروریسم تهیه کند (عبداللهی، خندان کوچکی، ۱۳۹۶: ۲۷۸)، این دو کشور تعاریف خود از تروریسم را ملاک عمل قرار داده و بدون توجه به تلاش‌های مشترک در چارچوب سازمان ملل متحد پیرامون این موضوع، محاکم قضایی آن‌ها بر اساس فهرست‌های تروریستی منتشر یافته از سوی وزارت امور خارجه خود اقدام می‌کنند (Meng, 2022: 54). این امر، مسئله مهم و بنیادین مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل را به ملاحظات سیاست خارجی منوط نموده و همچنین جدای از بحث مصونیت، ارزیابی قضایی اقدامات تروریستی بر اساس معیارهای معین حقوقی را به ترجیحات سیاسی مبدل کرده است (حبیب‌زاده و بهمن تاجانی: ۱۳۹۱، ۲۶۴).

چهار قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۲۳} تحت تاثیر وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ پیرامون مقابله با تروریسم را بتوان به عنوان مبنایی برای اقدامات مذکور برشمرد. این قبیل قطعنامه‌های مبتنی بر فصل هفتم منشور ملل متحد برای تمامی اعضای سازمان الزام‌آور هستند (فیضی‌چکاب و آهنگری، ۱۳۹۸: ۲۲۸)^{۲۴} و در صورت تعارض، بر اغلب قواعد دیگر حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل عرفی برتری دارند (Bankas, 2005: 296). لذا ممکن است چنین استدلال شود که حتی اگر استثنای تروریسم ناقض حقوق بین‌الملل عرفی باشد، این استثنا به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت الزام‌آور گشته که در مقدمه قانون VTA نیز به آن اشاره شده است. این قطعنامه، دولت‌ها را به اتخاذ تدابیر مختلف و مجموعه‌ای از اقدامات مشخص برای سرکوب و مقابله با تروریسم فرا می‌خواند (حیدر الشیخ و ضیاءالاسدی، ۱۳۹۸: ۱۰۷). با این حال، هیچ‌یک از این اقدامات به‌طور صریح شامل اعطای حق به اشخاص خصوصی برای اقامه دعوا علیه دولت‌های خارجی به‌سبب خسارات ناشی از تروریسم نیست؛ هرچند ممکن است ادعا شود که استثنای تروریسم با دیگر اقدامات پیش‌بینی‌شده در قطعنامه مانند «همکاری برای اقدام علیه مرتکبان اعمال تروریستی» و همچنین با توجه به هدف و موضوع قطعنامه از جمله تأکید آن بر ضرورت «استفاده از همه ابزارها» سازگار است (Jamshidi, 2023). دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای اوکراین علیه روسیه مبنی بر نقض کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم از سوی روسیه که از حیث موضوع، هدف و حتی عبارت‌پردازی شباهت زیادی به این مسئله دارد (اگرچه تفاوت‌های مهمی

^{۲۲} - برای کسب اطلاع از تعداد دولت‌های امضاکننده این کنوانسیون و وضعیت روند تصویب آن توسط کشورهای مذکور، رجوع شود به:

<https://www.wipo.int/wipolex/en/treaties/parties/259>

^{۲۳} - UN, Security Council, Resolution 1373 (2001), 4385th meeting, 28 September 2001.

^{۲۴} - ماده ۲۵ منشور سازمان ملل متحد تصریح دارد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند». همچنین ماده ۱۰۳ منشور، چنین بیان می‌دارد: «در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر، تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود».

نیز وجود دارد)، اعمال دولت روسیه در حمایت مالی از تروریسم را مشمول کنوانسیون ندانست و صرفاً این کشور را در مورد پیشگیری و پیگرد مرتکبان مسئول تلقی نمود. مضاف بر این که دیوان اساساً فهرستی که سازمان ملل متحد از گروه‌های تروریستی دارد را ملاک عمل دانست و تلقی یکجانبه کشورها در این خصوص را مبنا در نظر نگرفت (ICJ Reports, 2024: 5 & 6).

با این حال، از جایی که اقدامات تروریستی مورد ادعا خارج از قلمروی سرزمینی کشورهای مقرر دادگاه - یعنی آمریکا و کانادا - رخ داده و خارج از موضوع شبه جرم به حساب می‌آید و همچنین با توجه به این که نقض قاعده آمره بودن چنین اقداماتی نیز دارای ابهام است (عزیزی، ۱۴۰۲)، احتمالاً استمساک به استثنای خودساخته تروریسم برای کشورهایی چون آمریکا و کانادا مطلوب‌تر باشد. بخصوص که از منظر چنین کشورهایی، اساساً اثبات وجود این استثناء مسئله به نظر نمی‌رسد؛ چرا که آن‌ها اساساً مصونیت را نه یک حق بنیادین برای سایر کشورها بلکه مقرراتی از روی نزاکت بین‌المللی و لطف قلمداد می‌نمایند که ممکن است هر زمان از سوی اعطاکنده لغو شود (حبیب‌زاده و بهمن تاجانی: ۱۳۹۱، ۲۶۰). به این ترتیب، احتمالاً آن‌ها چندان خود را نیازمند ارائه توجیه در این خصوص ندادند. چنان که سابقه اقدامات ایالات متحده آمریکا برای نقض مصونیت دولت‌های خارجی به پیش از تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ باز می‌گردد. مسئله آن است که آیا مخالفان استثنای تروریسم به عنوان مدعی باید به طور سلبی عدم وجود استثناء بر مصونیت قضایی دولت را اثبات نمایند یا باید بر اثبات این گزاره تلاش نمایند که حقوق بین‌الملل به طور ایجابی مصونیت دولت‌های خارجی متهم به ارتکاب اعمال تروریستی را به رسمیت می‌شناسد؟ به عبارت دیگر، اصل بر مصونیت است یا عدم آن؟ نحوه پاسخ به این پرسش اهمیت دارد و بار اثبات را متفاوت می‌کند (Dodge, 2023). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی بر اساس هر دو اسلوب به ماجرا نظر داشته و ضرورتاً پاسخی به این پرسش نداده است. با این حال، شاید بتوان بر اساس استنتاج دیوان در این قضیه که محدود به وضعیت مخاصمه میان آلمان و ایتالیا هم نیست، لااقل از آن تاریخ به بعد اصل را بر مصونیت قرار داد. چرا که دیوان نهایتاً در جستجوی عرف بین‌المللی در این خصوص و با رجوع به به قوانین داخلی دولت‌ها و احکام دادگاه‌های ملی آن‌ها به این نتیجه نائل می‌آید که دولت‌ها در حقوق بین‌الملل برای خود قائل به مصونیت بوده و همچنین رعایت مصونیت دولت‌های دیگر را لازم می‌دانند (ICJ Reports, 2012: para. 56). اصل بودن مصونیت تا حدی حتی از عبارت‌پردازی قوانین آمریکا و کانادا و روند آن نیز قابل استنباط است (Jamshidi, 2023).

به عنوان یک مسئله دیگر، اقدامات تروریستی در مقام اعمال دولتی نیز ممکن است از سوی کشورهایی چون آمریکا و کانادا مورد ایراد وارد شود. در واقع، می‌دانیم که اکثر دولت‌ها نظریه موسوم به مصونیت محدود را پذیرفته‌اند که بر اساس آن، دولت‌های خارجی عموماً نسبت به دعاوی مبتنی بر اعمال حاکمیتی مصون هستند، اما در مورد دعاوی ناشی از اعمال غیرحاکمیتی یا تصدی‌گرانه مصونیتی ندارند (Meng, 2022: 10). بنابراین یک نکته مهم این است که آیا اقدامات تروریستی را می‌توان یک عمل حاکمیتی در نظر گرفت که مشمول مصونیت باشد؟ دیوان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی اشاره کرد که بسیاری از دولت‌ها اکنون میان اعمال تصدی‌گرانه - که در خصوص آن‌ها دامنه مصونیتی که برای خود قائل‌اند و به دیگران اعطا می‌کنند را محدود کرده‌اند - و اعمال حاکمیتی تمایز قائل می‌شوند و این دسته اخیر مشمول مصونیت است (عموزاد خلیلی، رحمتی‌فر و سلیمانیان، ۱۳۹۹: ۲۲۳). حال اگر بتوان این گزاره را به اثبات رساند که اقدامات تروریستی در زمره اعمال حاکمیتی جای ندارد، دیگر حتی نیازی به احراز عرف بین‌المللی یا عدم آن پیرامون استثنای تروریسم نیست. از این حیث، پاسخ به این پرسش اهمیت زیادی دارد. دیوان سابقاً در دعاوی کنگو علیه بلژیک در سال ۲۰۰۲ موسوم به قضیه قرار بازداشت، ارتکاب اعمالی از سوی وزیر امور خارجه کنگو که قطعاً نقض قواعد آمره هستند را از چارچوب اعمال حاکمیتی خارج ندانسته و بر این باور بود که چنین اعمالی موجب لغو مصونیت دولت کنگو و عدم امکان این کشور در استناد به مصونیت دولت نیست (ICJ Reports, 2002: para. 58). حال اگر نقض یک قاعده آمره را نتوان عمل غیرحاکمیتی قلمداد نمود که زائل‌کننده مصونیت است، در یک قیاس اولویت شاید سخت بتوان چنین تبعات حقوقی را برای دیگر نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل از جمله اعمال تروریستی مفروض دانست (شهلائی، ۱۳۹۴: ۲۰۷). در این راستا، به نظر مهم‌ترین یافته دیوان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی را می‌توان آن بخش از رای قلمداد نمود که دیوان به دور از این قبیل مباحث ماهوی، معتقد بود مصونیت قاعده‌ای شکلی است و مانع اعمال صلاحیت دادگاه یک دولت علیه دولت دیگر می‌شود (بذار، ۱۳۹۹: ۲۷۳).

اگرچه، احتمال تاثیر مسائل ماهوی بر قواعد شکلی در گذر زمان دور از ذهن نیست^{۲۵} و در کنار آن، معیارهای تمییز اعمال حاکمیتی و غیر حاکمیتی برای گریز از مصونیت حائز اهمیت است. در بخش دوم مقاله این مباحث مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

^{۲۵} - برای مثال می‌توان تاثیر محتوای هنجاری معاهدات حقوق بشری را بر برخی ابعاد شکلی آن از منظر حقوق معاهدات بین‌المللی مد نظر قرار داد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، معاهدات حقوق بشری فضایی متفاوت، مجله حقوقی، ۲۸.

۲- کشاکش دیدگاه‌ها در دیوان بین‌المللی دادگستری

چنان که بیان شد، پس از توقیف اموال و دارایی‌های جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا، در سال ۲۰۱۶ دعوایی از سوی ایران علیه آمریکا بر اساس نقض عهدنامه مودت در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد که رای آن در سال ۲۰۲۳ صادر گردید. این قضیه تلاش‌هایی را از سوی طرفین، له یا علیه مصونیت اموال دولت ایران، شامل می‌شد که نهایتاً تحت تأثیر مبنای صلاحیتی دعوا مستقیماً مورد قضاوت دیوان قرار نگرفت اما دیوان ناگزیر در موضوع ماهیت فعالیت‌های بانک مرکزی، به معیارهایی برای تمیز اعمال حاکمیتی و غیرحاکمیتی اشاره نمود که چنانچه سابقاً بیان شد، از جمله مهم‌ترین چالش‌ها در بحث مصونیت دولت است. دیوان همچنین ذیل مفهوم «منافع اساسی امنیتی» و در چارچوب عهدنامه مودت اشاره‌ای به استثنای تروریسم نمود که حاوی نکاتی قابل توجه در مورد مصونیت دولت است. همه این موارد در حالی است که طرح دعوای ایران علیه کانادا از حیث صلاحیتی و ماهوی منحصر به فرد بوده و نخستین باری است که دیوان می‌بایست مستقیماً و بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی به استثنای تروریسم بر مصونیت قضایی دولت خارجی بپردازد. بر این اساس، تحولات حقوق بین‌الملل عرفی در این باره نیز حائز اهمیت است. در ادامه، طی دو مبحث به این موضوعات پرداخته می‌شود.

۲-۱- مسئله مصونیت در رای برخی اموال ایران (۲۰۲۳)

پس از توقیف اموال ایران توسط آمریکا، تلاش‌هایی بخصوص از سوی بانک مرکزی ایران در محاکم آمریکا صورت گرفت تا اثبات شود اموال بانک مرکزی به عنوان دارایی‌های دولت ایران مصون از اقدامات قضایی و اجرایی است که پرونده پیترسون مصداق بارز آن است (عموزاد خلیلی، رحمتی‌فر و سلیمانیان، ۱۳۹۹: ۱۹۶). با این حال، در پی ناکامی در محاکم آمریکا، این بار ایران دعوای خود را نزد دیوان بین‌المللی دادگستری بر عهدنامه مودت استوار نمود که مطابق با آن شرکت‌های متبوع طرفین می‌بایست مورد حمایت آن‌ها قرار می‌گرفتند. در واقع، در این دعوا ایران در پی اثبات آن بود که بانک مرکزی به عنوان شرکت دولتی در عین این که دارای مصونیت است، طبق عهدنامه مودت نیز مشمول حمایت بوده و لذا توقیف اموال آن نقض عهدنامه مذکور است (محبی و بذار، ۱۳۹۸: ۶۰ تا ۶۳). بنابراین، اگرچه جمهوری اسلامی ایران به ناچار دعوای خود علیه ایالات متحده را بر مبنای عهدنامه مودت طرح‌ریزی نمود و این امر موجب شد تا دعوا در مسیری به دور از موضوع مصونیت تداوم یابد (بشیره، ۱۴۰۲) اما هرگز از ادعاهای خود پیرامون مصونیت دست نکشید. در واقع، این مهم برای ایران غیرقابل چشم‌پوشی بود که طبق حقوق بین‌الملل و معمولاً بر اساس عملکرد کشورها، اموال بانک‌های مرکزی نزد دولت خارجی واجد مصونیت است (Meng, 2022: 126). لذا ایران در دادخواست خود علیه آمریکا چنین اشاره داشت: «... (ت) ایران و شرکت‌های دولتی ایرانی در برابر صلاحیت محاکم ایالات متحده و در خصوص رسیدگی‌های مرتبط با تضمین اجرای احکام (رسیدگی‌های اجرایی) در این کشور از مصونیت برخوردارند و این که چنین مصونیتی باید توسط ایالات متحده (از جمله محاکم آن) طبق حقوق بین‌الملل عرفی و تا میزان مقرر شده توسط عهدنامه مودت رعایت گردد؛ (ث) ایالات متحده (از جمله محاکم آن) متعهد به رعایت وضعیت حقوقی (شامل شخصیت حقوقی مستقل) و نیز تضمین آزادی دسترسی به محاکم خویش، در خصوص تمامی شرکت‌های ایرانی از جمله شرکت‌های دولتی همچون بانک مرکزی بوده و این که هیچ اقدامی مبتنی بر اعمال اجرایی، تقنینی و قضایی (به نحو مورد اشاره در فوق) که دربردارنده یا متضمن شناسایی یا اجرای چنین اعمالی باشد، علیه اموال یا منافع ایران یا هر نهاد و تبعه ایرانی انجام ندهد...» (ICJ Reports, 2016: para. 6).

بر این اساس، ایران به رغم ادعای ماهیت شرکتی بانک مرکزی مطابق عهدنامه مودت، این بانک را به عنوان یک شرکت دولتی ایرانی در برابر اعمال صلاحیت محاکم داخلی ایالات متحده آمریکا از مصونیت برخوردار می‌داند. در حالی که این مسائل در جوابیه و لایحه متقابل آمریکا با نوعی بی‌اعتنایی مواجه گشته و این کشور اصرار دارد مطابق مبنای صلاحیتی دعوا به مسائل مرتبط با مصونیت ورود نکند،^{۲۶} این موارد از نظر دیوان دور نبوده و تصدیق می‌کند که دولتی بودن منافاتی با شرکت بودن در معنای عهدنامه مودت ندارد؛

^{۲۶} - آمریکا قصد داشت از قاعده استاپل علیه ایران استفاده نموده و تلاش‌های ایران برای اثبات مصونیت خود را به عنوان ایرادی بر دعوای ایران طبق عهدنامه مودت جلوه دهد. منظور آمریکا این بود که اگر اموال ایران چنان که بانک مرکزی در پرونده پیترسون ادعا دارد، دولتی و مشمول مصونیت باشد، دیگر ایران

زیرا تعریف ارائه‌شده از «شرکت» در بند ۱ ماده ۳، هیچ تمایزی بین بنگاه‌های خصوصی و دولتی قائل نمی‌شود (ستایش‌پور، ۱۴۰۳: ۱۸۹). دیوان از این موضوع چنین نتیجه گرفت که با توجه به شخصیت حقوقی اعطاشده به بانک مرکزی توسط قانون ایران که ایالات متحده نیز نتوانسته آن را مورد مناقشه قرار دهد، بانک مزبور را نباید صرفاً به این دلیل که تماماً متعلق به دولت ایران بوده و فعالیت‌هایش تحت هدایت و کنترل دولت است، از دسته «شرکت‌ها» مستثنی کرد» (ICJ Reports, 2019, paras. 87 & 88). به اعتقاد دیوان، «نهادی که منحصراً فعالیت‌های حاکمیتی مرتبط با کارکرد حاکمیتی دولت را انجام می‌دهد، به عنوان یک «شرکت» در مفهوم عهدنامه مودت تلقی نشده و در نتیجه نمی‌تواند مدعی بهره‌مندی از حقوق و حمایت‌های مقرر در مواد ۳، ۴ و ۵ باشد». لذا به نظر دیوان صرف جواز بانک مرکزی برای مبادرت به اعمال تجاری و استناد به سرمایه‌گذاری ایران نزد بانک آمریکایی کافی نبوده و ایران می‌بایست استنادات و استدلالاتی را مطرح می‌نمود که بیانگر کارکرد غیرحاکمیتی چنین اقداماتی باشد (مقامی، ۱۴۰۳: ۲۴۲).^{۲۷} دیوان نهایتاً ادعای خواننده را تایید می‌کند که معاملات بانک مرکزی در چارچوب سنتی فعالیت‌های حاکمیتی قابل توصیف است که معمولاً یک بانک مرکزی انجام می‌دهد و نه معاملاتی با ماهیت تجاری. به عبارت دیگر، خرید ۲۲ فقره اوراق قرضه صادرشده توسط تعدادی از دولت‌های خارجی و مؤسسات بین‌المللی توسط بانک مرکزی، بخشی از مدیریت ذخایر ارزی ایران بود که کارکردی حاکمیتی است و هیچ معادلی در حوزه تجاری ندارد (عبدالله عابدینی، ۱۴۰۳: ۴۰). به این ترتیب، در حالی که دیوان در سال ۲۰۱۹ و در رای صلاحیتی خود اعلام نمود که صلاحیت رسیدگی به موضوع مصونیت دولت را ندارد (ICJ Reports, 2019: para. 80)، در بیان این نکته و در چارچوب عهدنامه مودت، گریزی قابل توجه به یکی از مهم‌ترین مسائل پیرامون مصونیت یعنی ارائه معیارهای تفکیک اعمال حاکمیتی از غیرحاکمیتی دارد. این موضع دیوان از حیث سکوت کنوانسیون سال ۲۰۰۴ در چنین جزئیاتی و همچنین با توجه به اختلاف نظر میان نظام‌های بزرگ حقوقی در مورد اعمال معیار «ماهیت» یا «هدف» در ارزیابی اعمال غیرحاکمیتی و اعمال حاکمیتی واجد مصونیت بسیار حائز اهمیت است (Thomas, 2024: 11).

۲-۲- استثنای تروریسم در ترازوی دیوان بین‌المللی دادگستری

در قضیه برخی اموال ایران، جدای از طرح برخی نکات کلی پیرامون مصونیت قضایی دولت، به طور خاص مسئله استثنای تروریستی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. چرا که ایران مدعی بود استثنای تروریسم بر مصونیت دولت خارجی در حقوق آمریکا ناقض حقوق بین‌الملل عرفی است. در مقابل، آمریکا باور داشت که فرمان اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ اقدامی «ضروری به منظور حمایت از منافع اساسی امنیتی آن (دولت)» بوده و در چارچوب شق (d) بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه قابل توجیه است. به این معنا که آمریکا بر اساس فرمان اجرایی منافع اساسی خویش را از طریق هدف قرار دادن پشتیبانی ایران از تجارت تسلیحات، تروریسم و توسعه توانایی‌های موشک‌های بالستیک حفاظت می‌نماید (محبی و بذار، ۱۳۹۸: ۵۷). آمریکا تاکید می‌کند که مفهوم منافع امنیتی

نمی‌تواند نزد دیوان مدعی شود این اموال طبق عهدنامه مودت به عنوان اموالی غیرحاکمیتی مورد حمایت است. دیوان در بند پنجاه دوم رای تصریح می‌نماید که استنادات مشاور حقوقی بانک مرکزی طی پرونده پیترسون در دادگاه‌های داخلی آمریکا به مصونیت و تلقی اموال بانک مرکزی به عنوان اموال دولت ایران، در جریان این پرونده تعیین‌کننده نبوده و لذا تلاش آمریکا برای تناقض‌نمایی دعاوی ایران بی‌نتیجه ماند. دیوان دعوای مطروحه نزد خود را از آن دعا جدا دانسته و بیان می‌کند که دادگاه‌های ایالات متحده نیز به تجاری بودن برخی از فعالیت‌های بانک مرکزی اذعان داشته‌اند. این مراجع به همین دلیل اعتقاد داشتند که بانک مرکزی مستحق ادعای مصونیت نیست (ICJ Reports, 2019, paras. 38 & 39). این نکته با توجه به حضور ایران در دادگاه‌های داخلی کانادا پیش از طرح دعوا علیه کانادا قابل توجه است.

^{۲۷} در حالی که ایران مطابق اساسنامه بانک مرکزی و با استناد به قوانین داخلی خود از جمله قانون پولی و بانکی سال ۱۹۷۲ بر شخصیت حقوقی مستقل بانک مرکزی تاکید دارد، به زعم دیوان، ایران به این منظور صرفاً بر واقعیاتی چون خرید اوراق قرضه بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در بازار مالی ایالات متحده و مدیریت عواید حاصل از آن اشاره داشته و تلاش چندانی در راستای اثبات کارکرد تجاری و غیرحاکمیتی بانک مرکزی ننموده است. این بدان معناست که بر خلاف توجه دیوان به کارکرد فعالیت‌ها به عنوان معیار اساسی، ایران به ارتباطی میان ماهیت فعالیت‌ها با توصیف مؤسسات به عنوان شرکت در معنای عهدنامه قائل نبوده است. (ICJ Reports, 2019, paras. 45 & 49) چنان که معیار فوق در نظر جداگانه قاضی اختصاصی ایران نیز مورد چالش قرار گرفته است. رجوع شود به:

<https://icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-jud-01-13-en.pdf>

اساسی، همان طور که دیوان پیش از این و در دعوای سال ۱۹۸۶ نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا موسوم به قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه اعلام کرده است، دارای قلمرویی گسترده بوده و در چارچوب چنین استثنائی «هر طرفی که با حسن نیت عمل می‌کند، دارای صلاحیت گسترده‌ای در تعیین اقدامات ضروری برای حمایت از منافع امنیتی خود است» (ICJ Reports, 1986: para. 224). بنابراین ایالات متحده ادعا دارد که پیشگیری تروریسم و تامین مالی آن و متوقف نمودن برنامه موشک بالستیک یک دولت متخاصم، به صورت غیرقابل اختلافی جزئی از منافع اساسی امنیتی آن دولت است.

دیوان بر اساس همین قضیه خاطر نشان می‌سازد که اقدامات انجام‌شده صرفاً نباید در راستای حمایت از منافع اساسی امنیتی طرف اتخاذکننده آن‌ها بلکه می‌بایست به دلیل ضروری بودن برای آن هدف انجام شده باشند و این که آیا اقدامات انجام‌شده ضروری محسوب می‌شده یا خیر، باید توسط دیوان مورد ارزیابی قرار گیرد. این ریشه در ماهیت غیرخودقضاوتی مفهوم منافع اساسی امنیتی دارد (پیری، ۱۴۰۴: ۲۲۷). در همین راستا، به اعتقاد دیوان استدلال‌های موجود در فرمان اجرایی، توجیه‌کننده اقدامات ویژه مقرر شده در آن، مرتبط با فعالیت‌های مالی بانک‌های ایرانی، خلاءهای موجود در نظام مبارزه با پولشویی ایران و خطرات متعاقب برای سیستم مالی بین‌المللی بوده و موضوع ملاحظات امنیتی اساساً مطرح نبوده است. لذا دیوان در این باره دفاعیات خواننده را نمی‌پذیرد (ICJ Reports, 2023, para. 108) و این نشان می‌دهد که بخصوص با توجه به تشتت آرای که در مورد مفهوم منافع اساسی امنیتی وجود دارد، دولت کانادا در مقام دفاع باید مسیر ناهمواری را برای استناد به آن بپیماید؛ بخصوص که اساساً این مفهوم توجیهی برای نقض حقوق بین‌الملل نیست (پیری، ۱۴۰۴: ۲۳۱). چنان که این توجیه در مورد تحریم‌های آمریکا علیه ایران در دعوای میان این دو کشور موسوم به قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت در سال ۲۰۱۸ نیز به همین دلیل پذیرفته نشد (ICJ Reports, 2018: 14).

در نتیجه، به رغم تلاش‌های آمریکا در راستای اعمال استثنای تروریسم بر مصونیت قضایی دولت و همچنین کوشش‌های ایران در چارچوب قضیه برخی اموال ایران در مخالفت با این رویه آمریکا، نهایتاً دیوان به علت محدودیت‌های صلاحیتی، فرصت ابراز نظر چندانی پیرامون مصونیت دولت و استثنائات بر آن حتی در قالب مفهوم ملاحظات اساسی امنیتی را نیافت (بذار، ۱۳۹۹: ۲۷۷). لذا چنان که از ادبیات به کاررفته در رای نیز مشهود است، هیچ یک از استنتاجات دیوان در این دعوا به معنای اثبات حقانیت آمریکا در نقض مصونیت دولت ایران نبوده و بلکه مقررات حقوق بین‌الملل پیرامون مصونیت دولت را تقویت می‌نماید (مقامی، ۱۴۰۳: ۲۵۰ و ۲۵۱). بنابراین، می‌توان دعوای ایران علیه کانادا را تداوم دعوای ایران علیه آمریکا دانست. در واقع، ایران در طرح دعوای خود علیه کانادا آنچه را جستجو می‌کند که در قضیه برخی اموال ایران به علت محدودیت‌های صلاحیتی نتوانست به دست آورد (Jamshidi, 2023). به طوری که ایران دعوای اخیر خود را مستقیماً در مورد استثنای تروریسم بر مصونیت و بر مبنای عرف بین‌المللی مطرح نمود تا دیوان از موانع صلاحیتی موجود در قضایای برخی اموال ایران و مصونیت‌های صلاحیتی رهایی یافته و بسط‌ی بیشتری برای غور در مسئله مورد اختلاف داشته باشد (مقامی، ۱۴۰۳: ۲۵۱). دعوای ایران علیه کانادا بر اساس نقض مصونیت به عنوان قاعده‌ای عرفی در حالی مطرح می‌شود که دادگاه عالی کانادا در رای سال ۲۰۱۶ خود^{۲۸} و در برابر استدلال‌های ایران مبنی بر لزوم تطابق قانون داخلی با حقوق بین‌الملل، به نوعی اقرار دارد که JVTA در نادیده گرفتن مصونیت دولت‌های حامی تروریسم، صراحت داشته و جای هیچ گونه ابهام و تفسیری را باقی نمی‌گذارد. در واقع از نظر دادگاه، پارلمان کانادا در نادیده‌انگاری حقوق بین‌الملل محق است (بذار، ۱۳۹۹: ۲۷۰). لذا فرض اثبات صلاحیت دیوان،^{۲۹} در مرحله ماهوی مسئله عرف بین‌المللی در باب مصونیت دولت از مهم‌ترین موضوعات خواهد بود.

²⁸ - Tracy v. The Iranian Ministry of Information and Security, 2016 ONSC 3759 (CanLII), <https://canlii.ca/t/gslr1r>, retrieved on 27 June 2023.

²⁹ - هر دو دولت ایران و کانادا صلاحیت اجباری دیوان را به ترتیب در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳ و ۱۰ می ۱۹۹۴ پذیرفته‌اند. در واقع، ایران پیش از طرح دعوا علیه کانادا اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان را مطابق ماده ۳۶ اساسنامه آن صادر نمود که به دیوان اجازه می‌دهد به اختلاف حقوقی ایران و سایر کشورها در مورد مصونیت بین‌المللی دولت در چارچوب عرف بین‌المللی رسیدگی نماید. این اقدام دولت ایران حاکی از آن است که در محاسبات طرف ایرانی، احتمال زیادی برای تایید خواسته‌های آن طبق حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد. (مقامی، ۱۴۰۳: ۲۵۰)

در این خصوص دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی با بررسی مواضع اتخاذشده از سوی دولت‌ها و رویه قضایی شماری از محاکم ملی نشان می‌دهد که آن‌ها معتقد بوده‌اند حقوق بین‌الملل عرفی اعطای مصونیت به دولت‌ها را الزامی می‌داند و به طور خاص ادعاهای ایتالیا پیرامون توسعه استثنائات بر مصونیت را وارد ندانست (شهلائی، ۱۳۹۴: ۲۰۵ و ۲۰۶). گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۰ نیز موید همین دیدگاه است که دولت‌ها در حقوق بین‌الملل برای خود مصونیت قائل بوده و رعایت مصونیت دیگر دولت‌ها را لازم می‌دانند. (International Law Commission, 1980: para. 26). چنانچه رویکرد استدلالی دیوان در این رابطه ملاک عمل قرار گیرد، به جز اقدامات، مواضع و رویه قضایی دو کشور آمریکا و کانادا، نمی‌توان عملکرد و رویه قابل اعتنایی را در باب اعمال استثنای تروریسم بر مصونیت یافت (Stosch & Herbert, 2023). ای بسا رویه و عملکرد کشورها عمدتاً خلاف آن را اثبات نماید. برای مثال، پرونده مطروحه خانم هاولیش^{۳۰}، همسر یکی از بازماندگان وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، با اتهام مساعدت مالی ایران به القاعده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران که منجر به صدور رای در محاکم ایالات متحده آمریکا علیه ایران شده بود (Greco, 2022: 126)، توسط دولت ایتالیا و به تاسی از عملکرد سابق آن در محدود نمودن مصونیت دولت برای توقیف اموال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به میزان خواسته‌ای حدوداً شش میلیارد دلاری به اجرا گذاشته شد اما در مرحله تجدید نظر اعتراض بانک مرکزی مورد پذیرش قرار گرفته و رای دادگاه بدوی ملغی شد (کرباسی و دیگران، ۱۴۰۱: ۶۳ و ۶۴). مشابه همین وضعیت در فرانسه نیز پیرامون اجرای رای موسوم به فلاتو^{۳۱} اتفاق افتاده بود (Cuniberti, 2023). همچنین درخواست شاکیبانی که در آمریکا حدود ۷ میلیارد دلار علیه ایران رای گرفته بودند، از لوکزامبورگ جهت اجرای رای از سپرده‌های توقیف‌شده ایران نزد موسسه مالی کلیراستریم^{۳۲} منجر به صدور آرای در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر به نفع ایران شد و درخواست شاکیان رد گردید. دادگاه لوکزامبورگ قوانین آمریکا علیه مصونیت دولت ایران را فاقد وجاهت حقوقی بین‌المللی دانست (Law & others, 2020: 17). لذا در مجموع می‌توان گفت اگرچه در شقوق دیگر یعنی استناد به قواعد آمره حقوق بشری و شبه جرم‌های سرزمینی بخصوص طی سال‌های پس از تهاجم روسیه به اوکراین، مصونیت بین‌المللی دولت آرای محدودکننده‌ای را به خود دیده (Badanova, 2022)، اما رویکرد آمریکا و کانادا پیرامون استثنای تروریسم چندان مورد استقبال دیگر دولت‌ها قرار نگرفته است.

در تایید یافته فوق، همچنین می‌توان به انتقادهای جدی اتحادیه اروپا، عربستان سعودی، روسیه و هلند به استثنای تروریسم توجه کرد و حتی شاید اشاره به مخالفت خود قوه مجریه ایالات متحده با استثنای تروریسم در FSIA نیز خالی از لطف نباشد که مبتنی بر این دیدگاه بود که چنین استثناهایی با حقوق بین‌الملل مربوط به مصونیت دولت‌ها مغایرت دارند (ظاهری، ۱۳۸۳: ۱۵۲). همچنین عدم حضور برخی کشورها در دادگاه‌های مربوط به این موضوع و یا تصویب قوانین متقابل موید همین دیدگاه است (Jamshidi, 2023). چنان که ایران نیز در سال ۱۳۹۰ «قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» را به عنوان اقدامی متقابل در برابر دولت‌هایی که در محاکم ملی خود از ایران سلب مصونیت می‌کنند، تصویب نموده است (عبداللهی و خندان کوچکی، ۱۳۹۶: ۲۷۶). این بدان معناست که جمهوری اسلامی ایران نقض مصونیت را به عنوان یک فعل متخلفانه در نظر دارد و آن را مستوجب اقدام متقابل می‌داند (بذار، ۱۳۹۹: ۲۷۹). این اقدام محدود به دعاوی مدنی بوده و به نوعی نشان‌دهنده آن است که ایران کنوانسیون سال ۲۰۰۴ را به رغم عدم اجرایی شدن، به صورت داوطلبانه اجرا نموده است (اقبال، بشیره و محمدزاده، ۱۴۰۲: ۳۵). هر چند به اعتقاد برخی از نویسندگان، چنین قوانینی بر اساس نواقصی که بدوا دارند و یا تبعات حقوقی‌ای که بر جای می‌گذارند، ممکن است مصونیت قضایی دولت را در گذر زمان به محاق برند (ظاهری، ۱۳۸۳: ۱۷۷). این از آن جهت مهم است که پذیرش صلاحیت دیوان توسط ایران از طریق صدور اعلامیه مطابق ماده ۳۶ اساسنامه آن محکمه بین‌المللی، به سایر کشورها امکان اقامه دعوا علیه ایران در این موضوع را داده و همچنین ممکن است طبق مفاد همان اساسنامه، با طرح دعاوی متقابل از سوی کانادا یا استفاده از امکان ورود ثالث توسط آمریکا مواجه شود (بذار، ۱۳۹۹: ۲۷۷).

³⁰ - The United States SDNY Court, 22 December 2011, Havlish et al. v. Bin Laden et al. case.

³¹ - Flatow v. Islamic Republic of Iran, 999 F. Supp. 1 (D.D.C. 1999).

³² - District Court of Luxembourg, Judgment civil 2019 TALCH01/00116, 27 March 2019.

نتیجه‌گیری

از مدت‌های پیش، دو کشور ایالات متحده آمریکا و کانادا، تلاش‌های خود را برای محدود نمودن مصونیت قضایی دولت‌های خارجی آغاز کرده‌اند. استناد به تروریسم به عنوان استثنایی بر مصونیت دولت از جمله این تلاش‌هاست که در قوانین کشورهای مذکور به مرور قانون‌گذاری گردید و پس از واقعه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ توجیهی حقوق بین‌المللی یافت تا علیه سایر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآید. بر این اساس مطابق با آرایه‌ای از سوی محاکم داخلی آمریکا و کانادا برخی دارایی‌های ایران در آن کشورها به نفع خواهان‌ها مصادره گردید.

در مورد اقدامات ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران بر اساس عهدنامه مودت میان دو کشور به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد و مدعی نقض این عهدنامه توسط آمریکا به دلیل اقدامات مذکور شد. در واقع، ایران ضمن صیانت از مصونیت خود در دادگاه‌های داخلی آمریکا، معتقد بود که اقدامات آمریکا خلاف مقررات عهدنامه مبنی بر لزوم حمایت طرفین از شرکت‌های متبوعه آن‌ها توسط یکدیگر است. با این حال، دیوان مطابق بر مبنای صلاحیتی دعوا یعنی عهدنامه مودت، خود را برای ورود به بحث مصونیت دولت دارای صلاحیت ندانست و ضمناً ادعای اصلی ایران در مورد بانک مرکزی را نپذیرفت. دیوان تصریح داشت که اگرچه بانک مرکزی شرکت در معنای عهدنامه مودت به حساب می‌آید اما اعمال آن در مدیریت اوراق قرضه خریداری شده نزد سیتی‌بانک آمریکا عملاً کارکردی حاکمیتی داشته که خارج از محدوده حمایتی عهدنامه مودت است. دیوان ادعای ایران مبنی بر ماهیت غیرحاکمیتی بانک مرکزی در قوانین ایران را کافی ندانست و از معیار «کارکرد» برای تمییز اعمال حاکمیتی و غیرحاکمیتی استفاده کرد.

هرچند دیوان به لحاظ محدودیت‌های صلاحیتی به موضوع مصونیت دولت ورود نداشت و با تلقی بانک مرکزی بر اساس معیار کارکرد، مهم‌ترین خواسته ایران در رای برخی اموال ایران را رد نمود اما در عمل ضمن بازتائید مصونیت دولت در مورد اعمال حاکمیتی، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های این بحث یعنی تمایز اعمال حاکمیتی و غیرحاکمیتی پرداخت. بر همین اساس، ایران بلافاصله دعوای دیگری را علیه کانادا بر مبنای بند ۲ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان یعنی صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری طرح نمود و از دیوان خواست به نقض مصونیت دولت ایران توسط کانادا طبق حقوق بین‌الملل عرفی رسیدگی نماید.

اکنون ایران ضمن اثبات این موضوع که اموالش در کشور کانادا مطابق معیار مطروحه در قضیه برخی اموال ایران حاکمیتی بوده و مشمول مصونیت قضایی است، باید استثنای تروریسم بر مصونیت قضایی دولت را از منظر حقوق بین‌الملل عرفی انکار نماید. در این خصوص دیوان در قضیه مصونیت‌های صلاحیتی مسائل ماهوی را مآدون مصونیت به عنوان موضوعی شکلی می‌داند که استناد به آن بسیار کمک‌کننده است تا مانع ورود ایران به مباحث چالش برانگیز ماهوی شود. در غیر این صورت، قابل توجه است که دیوان در رای برخی اموال ایران، به طور خاص روی خوشی به ادعاهای آمریکا پیرامون تروریسم ذیل عهدنامه مودت نشان نداد. رویه کشورها نیز تا حد زیادی وجود چنین استثنایی بر مصونیت را نمی‌پذیرد که قابل استناد و استدلال است.

منابع فارسی کتاب

- اقبالی، کیوان، صادق بشیره و ساوالان محمدزاده (۱۴۰۲)، نحوه استناد به موازین بین‌المللی در مراجع قضایی ایران، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- انصاری معین، پرویز (۱۳۸۹)، مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۶)، حقوق بین‌الملل (ترجمه)، چاپ ششم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- عبداللهی، محسن و میرشهیز شافع (۱۳۸۶)، مصونیت قضایی دولت در حقوق بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- فیضی چکاب، غلام‌نبی و سوده آهنگری (۱۳۹۸)، گروه ویژه اقدام مالی - FATF، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

مقالات

- بشیره، صادق (۱۴۰۲)، چند نکته درباره رای اخیر دیوان لاهه و شکایت ایران از آمریکا، خبرگزاری عطنا، قابل دسترس در: <https://atna.atu.ac.ir/fa/news/20487>
- بذار، وحید (۱۳۹۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا به واسطه نقض مصونیت دولت ایران در نتیجه توقیف حساب‌های بانکی و فروش اموال ایران به منظور اجرای رای دادگاه‌های آمریکا، مجله حقوقی بین‌المللی، ۳۷ (۶۳).
- بهفر، ملیحه و حسن سواری (۱۳۹۳)، مشروعیت ارزیابی دولت‌ها در اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ۲ (۶).
- پیری، حیدر (۱۴۰۴)، کارکردها و رویکردهای دیوان بین‌المللی دادگستری به استثنای منافع امنیتی اساسی با تاکید بر قضیه نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت ۱۹۵۵، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۹ (۴).
- حبیب‌زاده، توکل و شهرام بهمن تاجانی (۱۳۹۱)، اعمال قانون مصونیت دولت‌های خارجی آمریکا: حاکمیت قانون یا تمکین محاکم از قوه مجریه؟، راهبرد، ۲۱ (۶۵).
- حیدرالشیک و ضیاءالاسدی (۱۳۹۸)، مبارزه با تامین مالی تروریسم و جایگاه آن در اسناد بین‌المللی با نگاهی بر سیاست جنایی ایران و عراق، وکیل مدافع، ۱۸.
- خضری، سیدمرتضی (۱۳۹۱)، مصونیت دولت از نگاه حقوق بین‌الملل، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، ۱ (۳).
- ستایش‌پور، محمد (۱۴۰۳)، تحقق مسئولیت بین‌المللی آمریکا بابت به رسمیت نشناختن وضعیت حقوقی شرکت‌های ایرانی در قضیه برخی دارایی‌های ایران، مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۱ (۷۳).
- شهبابی، فراز (۱۳۹۴)، یک جدال حقوقی تمام‌عیار: ایتالیا علیه دیوان بین‌المللی دادگستری، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱ (۲۷).
- ظاهری، علیرضا (۱۳۸۳)، تحولات قاعده مصونیت دولت: تاثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا، مجله حقوقی، ۲۱ (۳۰).
- عابدینی، عبدالله (۱۴۰۳)، تثبیت مصونیت بانک مرکزی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۲۰، شماره ۴ (۸۰).
- عبداللهی، محسن و جمال خندان کوچکی (۱۳۹۶)، استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۰ (۷۷).
- عزیزی، ستار (۱۴۰۲)، نگاهی اجمالی به فرجام طرح دعوی ایران علیه کانادا در دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو رویه پیشین آن، تالار گفتگوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، قابل دسترس در: <https://B2n.ir/se5530>
- عزیزی، ستار (۱۳۹۲)، گستره استثنای شبه‌جرم در حقوق مصونیت دولت‌ها در آینه رای مصونیت صلاحیتی ۲۰۱۲، حقوق تطبیقی، ۹ (۲).
- عموزاد خلیلی، زهرا، سمانه رحمتی‌فر و محمدهادی سلیمانیان (۱۳۹۹)، پشتوانه‌های حقوقی مصونیت دولت در طرح دعوای ایران علیه آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، ۱۱ (۲۰).

- فروغی، فضل‌الله و مراد عباسی (۱۳۹۸)، نقض مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها و اموالشان (مطالعه موردی مصادره دارایی جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا)، مطالعات حقوقی، ۱۱ (۱).
- کدخدایی، عباسعلی و عبدالله عابدینی (۱۳۹۴)، مصونیت دولت و قاعده آمره: استثنای در حال ظهور، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۵ (۱).
- کرباسی، مهشید، علیرضا ظاهری، محسن عبداللہی و عباس کوچ‌نژاد (۱۴۰۱)، مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها در پرتو حقوق داخلی کشورها؛ مطالعه موردی ژاپن و ایتالیا، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۱ (۵۱).
- محبی، محسن و وحید بذار (۱۳۹۸)، رویکرد تفسیری دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی اموال ایران (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)، فصلنامه قضاوت، ۹۸.
- مقامی، امیر (۱۴۰۳)، قضیه برخی دارایی‌های ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری: انحراف از «قاعده سابقه» یا «اعتبار امر مختومه»؟، مجله حقوقی بین‌المللی، ۴۱ (۷۳).

English

Books

- Brownlie, Ian (1963), *Principles of Public International Law*, Third edition, Oxford: University Press.
- Bankas, Ernest K. (2022), *The State Immunity Controversy in International Law*, Singapore: Spring.
- Cassese, Antonio (2005), *International law*, Second edition, Oxford: Oxford University Press.
- Dickinson, Andrew, Rae Lindsay & James P. Loonam (2004), *State Immunity: Selected Materials and Commentary*, Oxford: University Press.
- Foakes, Joanne (2014), *The position of Heads of State and Senior Officials in International Law*, First edition, Oxford: Oxford University Press.
- N. Shaw, Malcolm (1767), *International Law*, Ninth edition, Cambridge: University of Cambridge.
- Meng, Zixin (2022), *State Immunity and International Investment Law*, Singapore: Spring.
- Thomas, Katherine Reece (2024), *The Commercial Activity Exception to State Immunity*, Cheltenham. UK: Edward Elgar.

Articles

- Badanova, Ielyzaveta (2022), Jurisdictional Immunities v Grave Crimes: Reflections on New Developments from Ukraine, *EJIL*, Available at: <https://www.ejiltalk.org/jurisdictional-immunities-v-grave-crimes-reflections-on-new-developments-from-ukraine/>
- Cuniberti, Gilles (2023), Flatow v. Iran – French Supreme Court Rules on Sovereign Immunity in Exequatur Proceedings, the EAPIL blog, Available at: <https://eapil.org/2023/09/21/flatow-v-iran-french-supreme-court-rules-on-sovereign-immunity-in-exequatur-proceedings/>
- Greco, Donato (2022), Italy and the Enforcement of Foreign Judgments on Third States' Tort Liability for Sponsoring Terrorism, *The Italian Review of International and Comparative Law*, 1 (2).
- Jamshidi, Maryam (2023), Iran's ICJ Case against Canada Tests the Terrorism Exception to Sovereign Immunity, *Just Security*, Available at: <https://www.justsecurity.org/87357/irans-icj-case-against-canada-tests-the-terrorism-exception-to-sovereign-immunity/>
- Law, Stephanie, Vincent Richard & Edoardo Stoppioni (2020), The 9/11 Iranian Litigation in Luxembourg Courts: Private and Public International Law, *MPILux Research Paper Series*.
- S. Dodge, William (2023), Why Terrorism Exceptions to State Immunity Do Not Violate International Law, *Just Security*, 2023. Available at: <https://www.justsecurity.org/87525/why-terrorism-exceptions-to-state-immunity-do-not-violate-international-law/>
- Von Stosch, Valentin & Felix Herbert (2023), Jurisdictional Immunities, all over Again?, *EJIL*, Available at: <https://www.ejiltalk.org/jurisdictional-immunities-all-over-again/>

Documents

- District Court of Luxembourg, 27 March 2019, Judgment civil 2019 TALCH01/00116: Available at: https://www.stradalex.lu/fr/slu_src_publ_jur_lux/document/tal_lu_20190327-talux1-177266a
- Ferrini v. Federal Republic of Germany, No. 5044 of 6 Nov. 2003.
- Foreign Sovereign Immunities Act (FSIA). Available at: <https://www.congress.gov/94/statute/STATUTE-90/STATUTE-90-Pg2891.pdf>
- Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 (ITRSHRA), H.R.1905 — 112th Congress (2011-2012), Available at: <https://www.congress.gov/bill/112th-congress/house-bill/1905/text>

- ICJ Reports (2002), Arrest Warrant of 11 April 2001 (Dem. Rep. Congo v. Belg.).
- ICJ Reports (2012), Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening).
- ICJ Reports (2016), Application instituting proceedings, Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- ICJ Reports (2019), Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)
- ICJ Reports (2023), Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- ICJ Reports (2023), Application Instituting Proceedings, Alleged Violations of State Immunities (Islamic Republic of Iran v. Canada).
- International Law Commission (1991), Yearbook of the International Law Commission, Vol. 2.
- Justice for Victims of Terrorism Act (2012), S.C. 2012, c. 1, s. 2, Assented to 2012-03-13, Available at: <https://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/j-2.5/FullText.html>
- Security Council (2001), Resolution 1373 (2001).
- State Immunity Act (R.S.C., 1985, c. S-18), Available at: <https://laws.justice.gc.ca/eng/acts/S-18/page-1.html>
- Terrorism Risk Insurance Act of 2002 (TRIA), 107th Congress Public Law 297, Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/PLAW-107publ297/html/PLAW-107publ297.htm>
- Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights Between Iran and the United States of America which was signed in Tehran on 15 August 1955.
- Tribunal of Aretzo, decision No. 1403/98 of 3 Nov. 2000.
- United Nations Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism (1999)
- United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property (2004)
- U.S. District Court (2011), Havlish et al. v. Bin Laden et al. case, the United States District Court for the S Flatow v. Islamic Republic of Iran, 999 F. Supp. 1 (D.D.C. 1999). Available at: <https://law.justia.com/cases/federal/district-courts/FSupp/999/1/2267352/outhern District of New York>
- U.S. Supreme Court (2016), Bank Markazi v. Peterson et al., Available At: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/578/14-770/case.pdf>